



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

عزاداری

از نگاه دیگر

سبحان عصمتی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عزاداری از نگاهی دیگر

نویسنده:

سبحان عصمتی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۷ | عزاداری از نگاهی دیگر |
| ۷ | مشخصات کتاب |
| ۷ | مقدمه |
| ۹ | ریشه های عزاداری |
| ۹ | تاریخی |
| ۱۳ | روایی |
| ۱۸ | فلسفه، آثار و فواید عزاداری |
| ۱۸ | اشاره |
| ۱۸ | اعلام طرفداری از ستمدیده |
| ۱۸ | اعلام بیزاری از ستمگر |
| ۱۹ | یاد حادثه در قالب سنت |
| ۱۹ | انتقال فرهنگی |
| ۲۰ | تقویت روحیه دینی |
| ۲۰ | الگوهای |
| ۲۰ | آموزش معارف دینی |
| ۲۰ | مانور معنوی سیاسی |
| ۲۰ | استفاده از اهرم و قدرت مظلومیت |
| ۲۱ | تلطیف روح انسانی |
| ۲۱ | هم بستگی دینی و اجتماعی |
| ۲۱ | منافع مادی |
| ۲۱ | احیای ارزش ها و پیام های عاشورا |
| ۲۲ | ارزش ها و پیام های عاشورا |
| ۲۲ | عزت نفس |

| | |
|----|---|
| ۲۲ | غیرت دینی |
| ۲۲ | موج شکنی |
| ۲۳ | ترجیح مکتب بر خود |
| ۲۳ | آزادمردی |
| ۲۴ | اهمیت دادن به نماز |
| ۲۴ | شجاعت |
| ۲۴ | وفاداری به امام |
| ۲۴ | نظم و انضباط |
| ۲۴ | رعایت اصول انسانی حتی نسبت به دشمن |
| ۲۵ | توبه پذیری و گذشت |
| ۲۵ | عشق به دعا و مناجات |
| ۲۶ | پرسش ها و پاسخ ها |
| ۲۶ | آیا عزاداری ساخته سیاست دیلمیان و صفویان است؟ |
| ۲۸ | آیا عزاداری ارضای حس خون خواری نیست؟ |
| ۳۰ | آیا گریه کردن و اشک ریختن نشانه ضعف نیست؟ |
| ۳۲ | آیا هیچ آفتی عزاداری را تهدید می کند؟ |
| ۳۷ | نتیجه گیری |
| ۳۹ | درباره مرکز |

عنوان : عزاداری از نگاهی دیگر

پدیدآورندگان : امام سوم حسین بن علی (ع) (توصیف گر)

سبحان عصمتی (پدید آور)

ناشر : سبحان عصمتی

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : سوگواری ها [۱]

اصلاحات دینی

اسباب گریه

اصلاحات اجتماعی

مقدمه

از سنت های رایج در میان ما شیعیان، برگزاری مراسم عزاداری در ایام محرم و صفر برای شهدای کربلا به ویژه امام حسین (ع) است. بر اساس داده های تاریخی، عزاداری برای آن بزرگواران از روز بعد واقعه کربلا آغاز و در طول زمان با وجود فراز و نشیب هایی ادامه یافته تا این که به شکل سنت سالیانه در فرم و شکل خاص همراه با مراسم و آداب در آمده است. از طرفی، بر اثر پیشرفت رسانه های گروهی و گسترده شدن روابط اجتماعی، جامعه های بشری به صورت جامعه ای کوچک در آمده و آداب و رسوم هر قوم و ملتی، خواه ناخواه در معرض دید و داوری دیگر اقوام و ملل قرار گرفته است. لذا رفتار و کردار گروهی هر جامعه و ملتی که در قالب سنت ها نمود می یابد، برای دیگر جامعه ها و ملل پرسش برانگیز می نماید، چنان که نه تنها برای اقوام دیگر بلکه برای نسل جدید جامعه شیعی که با گسترش دانش بشری روبه رو شده، بی دغدغه خاطر و پرسش نخواهد بود. نسل جدید می خواهد به فلسفه و پیشینه پیدایی سنت ها و هنجارهای ثابت مذهبی، آگاهی یابد تا در پای بندی به

آن‌ها دچار دغدغه خاطر نشود و سرافرازانه از آن دفاع کند. بر این اساس، بر دانشمندان متعهد جامعه ماست که برای دفاع از سنت دیرینه عزاداری در سالگرد شهدای کربلا، آن‌را به صورتی بر جامعه جهانی و نسل جدید خود عرضه نمایند که مورد پذیرش فطرت و خرد آنان قرار گیرد. نوشتار حاضر

تلاشی است بسیار اندک در این باره، امید آن که دانشمندان متعهد گام های بزرگ تری در جهت تجزیه و تحلیل انسانی و عقلانی این سنت مهم بردارند، تا جامعه جهانی و نسل جدید ما هر چه بهتر و بیشتر با فرهنگ عاشورا آشنا شود. مطالب خود را در چند بخش به طور خلاصه عرضه می نمایم: ۱ ریشه های عزاداری؛ ۲ فلسفه عزاداری؛ ۳ ارزش های عاشورا؛ ۴ پرسش ها و پاسخ ها.

ریشه های عزاداری

تاریخی

همان طور که در مقدمه اشاره شد عزاداری برای شهدای کربلا- از روز بعد واقعه کربلا آغاز شده است؛ به چند نمونه از عزاداری برای شهدای کربلا- اشاره می شود تا نشان داده شود که عزاداری برای آن بزرگواران ریشه در فطرت انسانی و وجدان دینی مسلمانان داشته و به طور خود جوش و طبیعی انجام گرفته است: ۱ وقتی که اهل بیت امام حسین (ع) را در حال اسارت به کوفه بردند، هنگامی که مردم متوجه شدند آنان از خاندان پیامبرند، ناله شان به گریه و زاری بلند شد، امام سجاد (ع) به آنان فرمود: «أَتُنُوحُونَ - وَ تَبْكُونَ - مِنْ أَجْلِنَا؟! فَمَنْ ذَا الَّذِي قَتَلَنَا؟ آیا برای مامی گریید و بر ما نوحه می کنید، پس کشنده ما کیست و چه کسی که ما را کشت؟» هنگامی که حضرت زینب (س) با سخنان بیدارگر خود که از عمق جاننش برمی خاست مردم کوفه را سرزنش کرد و آنان متوجه شدند که چه کار ناشایسته ای انجام داده اند و چه فاجعه عظیمی را در تاریخ به وجود آورده اند از کرده خود سخت پشیمان شدند و به شیون و زاری پرداختند؛ راوی گوید، به خدا قسم مردم را دیدم که هنگام شنیدن این خطبه، حیران بودند و می گریستند و دست ها به

دندان می گزیدند. وقتی که ام کلثوم (س) دختر امام علی (ع) در میان مردم کوفه سخن رانی کرد، صدای گریه و ناله از مردم برخاست، زنان گیسو پریشان کردند، خاک بر سر پاشیدند، چهره ها خراشیدند، سیلی به صورت زدند و فریاد و ویلا و وا بشورا بلند نمودند و مردها گریستند و موهای محاسن خود را کندنند، هیچ موقع دیده نشد که مردم بیش از آن روز گریه کنند. ۲ وقتی که اهل بیت امام حسین (ع) را اسیرانه همراه با سرهای شهدای کربلا به دمشق بردند و با سخن رانی هایی که بازماندگان شهدا (به خصوص امام سجاد (ع)) کردند، چهره مزورانه یزید از هم دریده شد و مردم پایتخت تازه پی بردند که چه جنایت عظیمی انجام گرفته است. برای جبران این جنایت و در واکنش به این مصیبت بزرگ به عزاداری برای شهدای کربلا پرداختند: اهل شام که در خواب غفلت بودند، بیدار شدند و بازارها را تعطیل، و سوگواری به پا کردند، گفتند: به خدا قسم ما نمی دانستیم که آن سر، سر حسین (ع) است، چون گفته بودند، آن سر یک نفر خارجی است که در خاک عراق خروج کرده است. یزید که با احساسات مخالف مردم مواجه شده بود، برای فریب افکار عمومی و تبرئه خود، حرم امام حسین (ع) را طلبید و از آنان عذر خواهی کرد و گفت، شما دوست دارید نزد من بمانید یا به سوی مدینه بروید؟ گفتند: دوست داریم چند روز برای امام حسین (ع) نوحه سرایی کنیم، بعد به مدینه برویم. یزید دستور داد خانه ای در اختیار آنان بگذارند و همه وسایل مورد احتیاج را برای آنان آماده کردند و آنان مشغول نوحه سرایی بر حسین

(ع) شدند. در دمشق هیچ زن قریشی نماند، مگر این که لباس سیاه پوشید و هفت روز بر حسین (ع) گریست. همین که روز هشتم رسید، یزید آنان را بین ماندن نزد او و رفتن به مدینه مخیر کرد و آنان رفتن را اختیار کردند. ابن قتیبه دینوری می نویسد: وقتی که اسرای کربلا را به شام نزد یزید آوردند، یزید رو به مجلسیان کرد و از آنان پرسید، نظرشان درباره این اسرا چیست؟ نعمان بن بشیر (فرماندار سابق کوفه) که در مجلس حاضر بود، گفت: ای امیر مؤمنان! با اینان آن طور رفتار کن که اگر پیامبر (ص) زنده بود و اینان را در این حال می دید، رفتار می کرد. یکی از دختران امام حسین (ع) گفت: ای یزید! این زنان دختران پیامبرند. با این کلام مردم اهل شام که در مجلس بودند، صدایشان به گریه بلند شد. طبری و بلاذری نیز مطالبی چنین نقل کرده اند. ۳. وقتی که اهل بیت امام حسین (ع) و بازماندگان شهدای کربلا به مدینه وارد شدند، مردم مدینه در فقدان امام حسین (ع) و برادران و فرزندان، صدا به گریه و شیون بلند کردند؛ همانند روزی که پیامبر (ص) از دنیا رحلت کرده بود. بشیر بن جذلم گفت: چون نزدیک مدینه رسیدیم، علی بن حسین (ع) پیاده شد و خیمه ها بر پا کرد و زنان را پیاده نمود و فرمود: ای بشیر، خدا پدرت را بیامزد که مردی شاعر بود، آیا تو می توانی شعر بگویی؟ بشیر گفت، آری، ای پسر پیامبر (ص)، من هم شاعر هستم، فرمود: برو مدینه و خیر شهادت اباعبدالله را به اطلاع مردم برسان. بشیر گفت: من بر اسبم

سوار

شدم و باشتاب آمدم تا وارد مدینه شدم، چون به مسجد رسول خدا (ص) رسیدم، صدا به گریه بلند نمودم و این اشعار را انشا کردم (که ترجمه آن چنین است): ای مردم مدینه! دیگر در مدینه نمانید، زیرا حسین (ع) کشته شد و از شهادت اوست که اشک چشم من چون باران فرو می ریزد، بدن حسین (ع) در زمین کربلا به خون آغشته و سر مقدس او را بالای نیزه در شهرها می گردانند. پس از آن گفتم: ای اهل مدینه، اکنون علی بن حسین (ع) با عمه ها و خواهرانش نزدیک شما و پشت دیوار شهر شماست و من فرستاده او هستم که جایگاه او را به شما نشان دهم. از این سخن تمام زنان مدینه که در حجاب مستور بودند، از چادرها بیرون آمدند و فریاد و اوایلا و ائبورا بلند نمودند، ندیدم روزی را که گریه کنندگان بیش از آن روز باشند. ۴ سال ۶۵ هجری قمری گروهی از مردم کوفه و جاهای دیگر که از کوتاهی های خود درباره امام حسین (ع) به شدت پشیمان شده بودند و احساس گناه می کردند، به رهبری سلیمان بن سرد خزاعی علیه دستگاه بنی امیه قیام کردند. آنان قبل از آغاز نبرد، کنار قبر امام حسین (ع) آمدند، صدا به گریه و شیون بلند کردند؛ هیچ روزی چنین گریه کنندگان برای امام حسین (ع) دیده نشد. کنار قبر آن حضرت توبه کردند و برای او از درگاه خداوند طلب رحمت نمودند، یک شب و روز در کنار قبرش ماندند و در این مدت کارشان گریه و زاری بود. در کنار قبر امام (ع) می گفتند: خدایا بر حسین شهید فرزند شهید، هدایت

یافته فرزند هدایت یافته، راست گو فرزند راست گو، رحمت بفرست. خدایا تو را شاهد می گیرم، بر این که بر دین و راه آنان هستیم و دشمن کشندگان او و دوست دار دوستان اویم. خدایا ما فرزند پیامبرت را یاری نکردیم، اعمال گذشته ما را ببخش و توبه ما را بپذیر. این ها نمونه هایی از عزاداری خود جوش مردم برای امام حسین (ع) و اهل بیتش و واکنشی طبیعی در برابر فاجعه عظیم کربلا بوده است. این گریه ها ریشه انسانی داشته و دست هیچ قدرت و سیاستی، در آن مداخله نداشته و غیر از گریه ها و عزاداری های فردی بوده که از وجدان پاک انسانی و دین سرچشمه می گیرد و هم چنین غیر از گریه ها و عزاداری های اهل بیت عصمت و طهارت است که همیشه خود را در این مصیبت بزرگ عزادار می دانستند.

روایی

به جهت اهمیتی که حادثه کربلا در تاریخ اسلام داشته، ائمه اطهار (ع) همیشه در پی احیای آن بودند و تلاش می کردند که یاد و نام این واقعه را در تاریخ نگاه دارند، تا مجاهدان و ستم ستیزان را الهام بخشد و مظلومیت اهل بیت (ع) را در تاریخ بنماید. این تلاش در مقابل کوشش دستگاه های ستم گر حاکم، برای محو نام و یاد این حادثه عظیم بوده است. به چند روایت از ائمه (ع) برای نمونه اشاره می کنیم: ۱: دعبل خزاعی می گوید: در یکی از روزهای (دهه اول محرم) نزد امام رضا (ع) رفتم که آن حضرت محزون و غمگین در میان اصحابش نشسته بود، وقتی که دید من رو به سوی او می روم، فرمود: آفرین بر تو ای دعبل، آفرین بر کسی که با دست و زبانش ما را یاری می کند. پس

از آن جایی از برایم در کنارش باز کرد و فرمود: دوست دارم که شعری درباره مصائب اهل بیت بخوانی چون این روزها روز حزن و اندوه ما اهل بیت و ایام شادی دشمنان ما به خصوص بنی امیه است. ای دعبل، هر کس بگرید یا بگریاند، اگر چه یک نفر را، اجرش با خدا خواهد بود. ای دعبل، هر کس برای مصیبت هایی که دشمنان بر ما وارد ساخته اند، اشک بریزد، خداوند او را در قیامت با ما محشور خواهد کرد و در گروه ما خواهد بود. ای دعبل، هر کس بر مصیبت های جدّ ما حسین بگرید، بی شک خداوند گناهانش را خواهد بخشید. از روایت استفاده می شود، شیعیانی که طبع شعری داشتند، در رثای امام حسین (ع) شعر می سرودند و این کارشان مورد تأیید و تشویق امام رضا (ع) قرار گرفت. ۲. ریان بن شیب (دایی معتصم عباسی) نقل می کند که روز اوّل محرم بر ابوالحسن الرضا (ع) وارد شدم، به من فرمود: ای پسر شیب آیا روزه داری؟ گفتم: نه. فرمود: این همان روزی است که حضرت زکریا (ع) پروردگار خود را خواند و از او درخواست ذریّه ای پاک کرد، خداوند دعای او را مستجاب نمود و فرشتگان را امر فرمود، موقعی که او در محراب نماز ایستاد، به او ندا کنند که: (إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ - بِبِحَبِيبٍ) خدا تو را به فرزندی که نام او یحیی است بشارت می دهد. پس هر که امروز را روزه بگیرد و خدا را بخواند خدا دعای او را مستجاب می کند، چنان که دعای ایوب (ع) را مستجاب کرد. سپس فرمود: ای پسر شیب، محرم آن ماهی است که اهل جاهلیت در زمان گذشته، به احترام آن جنگ کردن و خون ریزی

را حرام می شمردند و این امت نه حرمت ماه حرام را شناختند و نه احترام پیامبر خود را نگه داشتند، در این ماه فرزندان او را کشتند و زنان او را اسیر کردند و زندگی او را به غارت بردند، خدا هرگز آنان را نیامرزد. ای پسر شیب، اگر برای چیزی گریه می کنی، برای حسین بن علی (ع) اشک بریز، چه این که او را مانند گوسفند سر بریدند و نیز هیجده نفر از مردان اهل بیتش را که در روی زمین همانندی برایشان نبود، همراه او به شهادت رساندند و آسمان های هفت گانه و زمین ها بر او گریستند... ای پسر شیب پدرم از پدرش و او از جدش روایت کرد که چون جد من حسین (ع) به شهادت رسید، آسمان خون و خاک سرخ بارید. ای پسر شیب، اگر برای امام حسین (ع) گریه کنی، به اندازه ای که اشک بر گونه ات روان گردد، خداوند همه گناهان تو را می بخشد؛ کوچک باشد و یا بزرگ، کم باشد یا زیاد. ای پسر شیب، اگر بخواهی بی گناه بر خداوند وارد شوی، پس حسین (ع) را زیارت کن و اگر بخواهی در کاخ های بلند بهشت با محمد (ص) و آلش جای گیری، پس بر کشندگان حسین (ع) لعنت فرست. ای پسر شیب، اگر خوشحال می شوی که در درجات بلند بهشت با ما باشی، پس برای اندوه ما اندوه ناک و برای شادی ما شادباش و دوستی ما را از دست مده... امام رضا (ع) بعد از بیان اهمیت ماه محرم و حرمت آن در دوران جاهلیت به شهادت امام حسین (ع) و یارانش در این ماه اشاره می کند که بر رغم این که

مشرکان در دوران جاهلیت برای این ماه حرمت می دانستند، افرادی که خود را مسلمان می شمردند، حرمت این ماه را رعایت نکردند و دست ناپاک خود را به خون امام حسین (ع) و یارانش آغشته کردند. گاه امام (ع) به مقام و منزلت کسانی که برای امام حسین (ع) محزون شوند و اشک بریزند، اشاره می کند و با بیان ارزش های معنوی، شیعیان را به این کار تشویق می کند. ۳. امام صادق (ع) به عبدالله بن حماد بصری فرمود: به من خبر رسیده که گروهی از مردان و زنان از اطراف کوفه و غیر آن در نیمه شعبان کنار قبر امام حسین (ع) می آیند و برای آن حضرت نوحه سرایی می کنند و بعضی هم در کنار قبرش قرآن می خوانند و بعضی کیفیت شهادت امام حسین (ع) و یارانش را شرح می دهند و عده ای نوحه گری می کنند. گفتم: بله فدایت شوم، چنین است. من در بعضی از این مجالس که فرمودید، حضور یافته ام. امام فرمود: ستایش خدایی را که قرار داد در میان مردم کسانی را که به نزد ما می آیند و ثنای ما را می گویند و برای ما نوحه می خوانند. از روایت استفاده می شود که شیعیان اطراف کوفه، به انگیزه ایمان دینی و برای عشق و محبت به امام حسین (ع) و نفرت از کشتن گانش، سالیانه برای آن حضرت در نیمه شعبان مراسم عزاداری و مرثیه خوانی به راه می انداختند و به شرح ماجرای کربلا می پرداختند. این خبر به گوش امام صادق (ع) رسید و امام (ع) آنان را تشویق کرد و از این که داری چنین شیعیانی است، خداوند را مورد حمد و ستایش قرار داد. در روایات دیگر، ائمه (ع) شاعران اهل بیت

(ع) را که در رثای امام حسین (ع) مرثیه می سرودند، تشویق می کردند. روایات در این باره فراوان است و به جهت رعایت اختصار، به همین اندازه بسنده می کنیم. در کنار عزاداری های خود جوش مردم و تشویق ائمه (ع) بعضی از امامان (ع)، مانند امام سجاد (ع) که خود شاهد صحنه ناگوار و خون بار واقعه کربلا و ماجراهای بعد از آن بود، برای زنده نگه داشتن یاد و نام شهیدان و برای جلوگیری از فراموش شدن آن واقعه سالیان دراز عزادار بود و به اندک مناسبتی اشک از دیدگانش جاری می شد؛ از امام صادق (ع) روایت شده که: امام زین العابدین (ع) چهل سال در مصیبت پدرش گریه کرد، در حالی که روزها روزه دار و شب ها به عبادت بیدار بود و چون افطار می شد و غلام آن حضرت آب و غذا برابر او می نهاد و می گفت میل بفرمایید، آن حضرت می گفت، پسر پیغمبر گرسنه و تشنه کشته شد و پیوسته این سخن را می گفت و می گریست، تا آب و غذا با اشک چشمش مخلوط می شد، همواره به این حال بود تا از دنیا رفت. غلام آن حضرت نقل می کند که روزی امام سجاد (ع) به صحرا رفت و من از پی او رفتم، دیدم پیشانی خود را روی سنگ ناصاف و خش گذاشته، من ایستادم و گریه و ناله او را می شنیدم و شماره کردم که هزار مرتبه گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَضَدِيْقًا وَصِدْقًا.» سپس سر از سجده برداشت، دیدم صورت و محاسنش از اشک چشمش تر شده. گفتم: ای مولای

من، آیا اندوه شما پایان ندارد و گریه شما خاتمه پذیر نیست؟ فرمود: وای بر تو، یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم پیامبر و پیامبرزاده بود و دوازده پسر داشت، خداوند یکی از پسران او را از نظر او دور کرد، از فشار اندوه، موهای او سفید و از غم کمرش خمید و از گریه دیدگانش نابینا گردید، در صورتی که پسرش زنده بود، ولی من به چشم خود دیدم که پدر و برادر و هفده نفر از اهل بیتم کشته شده و بر روی خاک افتاده اند، پس چگونه غم و اندوه من تمام شود و گریه من کم گردد. امام سجاد (ع) که از نسل اول واقعه کربلا بود، آن چنان متأثر از این واقعه بود که نمی توانست آن را فراموش کند و همواره مسئولیت حفظ نام و یاد آن واقعه را بر دوش خود احساس می کرد و همیشه با رفتار و اعمالش سعی در احیای نام و یاد شهیدان کربلا داشت، تا به مرور زمان گرد و غبار فراموشی، بر روی آن ننشیند.

فلسفه، آثار و فواید عزاداری

اشاره

عزاداری برای امام حسین (ع) و دیگر شهیدان کربلا، دارای حکمت ها و آثار و فوایدی است که به آن معنا و اهمیت می بخشد. بدون در نظر گرفتن آن ها عزاداری چون جسم بی روح و قالبی میان تهی و بی معنا خواهد بود. همه تأکید ائمه (ع) بر عزاداری و مخالفت دشمنان با آن برای همین حکمت ها و آثار و فواید است که بعضی از آن ها را بر می شمیریم:

اعلام طرفداری از ستمدیده

یکی از آثار عزاداری، اعلام حمایت و طرف داری از ستم دیده است. کسی که در عزای مظلومی شرکت می کند و بر مظلومیت او اشک می ریزد، با این کارش می خواهد بگوید، من به هدف و خط مشی مظلوم ایمان دارم و راه و کار او را تأیید می کنم. این چیزی است که در همه مکتب ها وجود دارد، یعنی، طرف داران هر مکتب برای کسی که در جهت حفظ و احیای آن مکتب جان فشانی کردند، احترام می گذارند و کارش را تحسین می کنند و مراسمی به یاد بود او برگزار می کنند و اگر بتوانند تندیس او را در مراکز مهم شهرها بر پا می دارند. این همان تولّاً یا دوست داشتن صاحبان مکتب و فداکاران در راه آن است که در اسلام نیز بر آن تأکید شده و عزاداری برای شهیدان کربلا این نکته را برمی تاباند. بر اساس اصل تولّاً، بین طرف داران یک مکتب پیوند ایمانی برقرار می گردد، به طوری که اگر یک نفر از آنان دچار مشکل شود، دیگران واکنش کرده و به حمایت از او برمی خیزند و این نشان دهنده جهت مثبت عزاداری است.

اعلام بیزاری از ستمگر

عزاداری علاوه بر این که دارای بُعد مثبت؛ یعنی، اعلام طرف داری از ستم دیده است، دارای بُعد نفی و طرد؛ یعنی، نفی ستم گر و بیزاری از کارهایش نیز هست. کسی که در عزای شهیدی شرکت می کند، با این عملش می خواهد اعلام کند که من از ستمگر و کشنده شهید بیزارم و در خط ستم گر نیستم. مکتب و اهداف او مورد قبول من نیست. این دو اصل (تولّاً و تبری) نشان دهنده جاذبه و دافعه یک جامعه و حاکی از سر زنده بودن و حیات

آن است. بنابراین، عزاداری برای شهیدان کربلا نشان از حیات انسانی و معنوی جامعه با ایمان دارد.

یاد حادّنه در قالب سنت

آثار تأکید بر عزاداری در روایات و برقراری سالیانه آن، یاد حادّنه در قالب سنت است، زیرا به صورت مراسم و سنت سالیانه در آمدن روح آن واقعه را هم چنان باقی و الهام بخش نگاه می دارد. این مسئله چیزی است که در تمام ملت ها به انواع گوناگونی وجود دارد. برقراری مراسم سالیانه اعیاد، جشن پیروزی، جنگ ها، ولادت شخصیت های مهم، برقراری یاد بوّدها به مناسبت فاجعه های دردناک و... همه درباره عمل به این اصل است. اگر یاد بوّدها حادّنه ای به صورت سنت در آید و در خلق و خوی مردم نفوذ نماید و به صورت یک عادت اجتماعی بشود، ضرورتاً خود به خود جامعه به سمت آن می رود و هنجارها و رفتارهای اجتماعی بر اساس آن شکل می گیرد. روایاتی که درباره عزاداری برای امام حسین (ع) وارد شده را می توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته روایاتی که در پی سنت سازی هستند، یعنی یاد حادّنه در آغاز کار قرار دارد و هنوز به صورت سنت در نیامده، در این صورت، ائمه (ع) می کوشیدند تا آن را به صورت یک سنت اجتماعی در آورند تا در طول قرون و اعصار تداوم یابد؛ دسته ای دیگر در تأکید بر این سنت است، یعنی عمل کم و بیش به صورت سنت در آمده و ائمه (ع) در تقویت آن می کوشیده اند و آن را با رفتار و گفتار خود تأیید می نموده اند.

انتقال فرهنگی

از آثار برقراری مراسم عزاداری، انتقال فرهنگی از نسلی به نسلی و از عصری به عصر دیگر است؛ یعنی، برقراری سنت عزاداری، علاوه بر این که باعث حفظ اصل حادّنه تا زمان حاضر می شود، همین طور باعث انتقال پیام ها و ارزش های آن به نسل های آینده می شود. کودکان

در مراسم عزاداری شرکت می کنند و آن را از پدران خود دریافت می کنند و بار انتقال آن را به دوش می کشند، و سپس آنان نیز به فرزندانشان، منتقل می کنند و همین طور ادامه می یابد تا به صورت یک ضرورت اجتماعی در آید و نسل ها از لحاظ فرهنگی به هم پیوند بخورند و از انقطاع فرهنگی جلوگیری شود.

تقویت روحیه دینی

برقراری مراسم عزاداری و شرکت در آن باعث تقویت روحیه دینی در جامعه و سبب پیوند و ارتباط دینی افراد با مراکز مذهبی و عالمان دینی می شود. به این وسیله، گرد و غبار و ضعف و سستی هایی که به جهت اشتغال به کارهای روزمره بر آئینه جان می نشیند و ارتباطات معنوی را سست می نماید، زدوده می شود. شرکت در این گونه مراسم، به تزکیه معنوی و رشد بُعد الهی و انسانی افراد می انجامد و چه بسا، افراد فاسد و گنه کار که با شرکت در این مراسم، دچار تحول معنوی می شوند و از کارهای ناپسند خود دست بر دارند و در مجموع، از جرایم و جنایات در جامعه کاسته شود.

الگو دهی

از آثار مهم و مثبت برقراری سنت عزاداری، الگو دادن به جامعه است. هر جامعه ای نیازمند به الگوست، همان طور که هر فردی این نیاز را در خود احساس می کند؛ چه، این که هم جامعه و هم فرد به کمال میل دارند و خود را در حال دگرگونی شدن می یابند و هر دگرگونی و ساخته شدن، نیاز به الگو دارد تا بر اساس آن جهت گیری شود و خود را بسازد. از آثار برقراری مراسم عزاداری، ارائه الگوی صحیح به جامعه و فرد است، زیرا در این گونه مراسم ها از فداکاری، جانبازی و خصلت های نیکوی قهرمانان کربلا گفته می شود و شرکت کنندگان هم آگاهانه یا نا آگاهانه از رفتار و خلق و خوی آنان متأثر می شوند و تلاش می کنند تا همانند آنان ساخته شوند. البته هر کس به اندازه سعی و تلاش خود در این جهت موفق می شود.

آموزش معارف دینی

از آثار مهم و مثبت مراسم عزاداری، آموزش معارف دینی به مردم توسط واعظان و عالمان دینی است. سخن رانان در این مراسم به بیان احکام و معارف دینی می پردازند؛ از نماز، روزه، حج، خمس، زکات، مسائل خانوادگی و اخلاق، صلح، رحمت، ترحم به همدیگر و رسیدگی نسبت به بی نوایان و معارف اسلام می گویند و مردم را با گفتار خویش به سوی آشنایی و عمل به معارف دینی سوق می دهند. راستی، اگر این گونه مراسم ها، نبود، چگونه ممکن بود که این جمعیت را به مراکز دینی بیاورند و آنان را به معارف دینی آشنا سازند؟

مانور معنوی سیاسی

از آثار مهم مراسم عزاداری برای شهیدان کربلا، نمایش قدرت معنوی و سیاسی جامعه پیرو اهل بیت: است. پیروان امام حسین (ع) با اجتماع خود طرف داری و همبستگی شان را با امام (ع) به همگان نشان می دهند و به همه می فهمانند که ما ادامه دهندگان راه آن حضرتیم و با هم بر محور دوستی و طرف داری از امام حسین (ع) متعهد و منسجم هستیم.

استفاده از اهرم و قدرت مظلومیت

یکی از اهرم های قدرت، مظلومیت است. مظلوم و طرف دارانش، می توانند با استفاده از این قدرت، افکار عمومی را به نفع خود جلب نمایند و علیه ظالم بشورانند و اهداف خود را با تکیه بر آن، به پیش ببرند. برای قدرت نهفته در اهرم مظلومیت، چه بسا افراد ناباب با صحنه سازی سعی می کنند که خود را مظلوم نشان بدهند، تا افکار را به سمت خود متمایل سازند. می دانیم که امام حسین (ع) و یارانش، مظلومانه در کربلا به شهادت رسیدند، بی آنکه هیچ گناهی جز دفاع از دین، سنت پیامبر (ص) ، عزت و شرف مسلمانان داشته باشند. عزاداری برای آن بزرگواران رساندن پیام مظلومیت آنان، به همه کسانی است که از حقیقت ماجرا بی خبرند، تا به این وسیله افکار عمومی جامعه علیه دستگاه ظالم جهت گیری شود.

تلطیف روح انسانی

از آثار مثبت عزاداری، تلطیف روح انسانی است، زیرا کسی که در این مراسم شرکت می کند و بر مظلومیت شهیدان کربلا اشک می ریزد در پایان از کار خود احساس رضایت قلبی می کند و حس لطافت و پاکی و زدوده شدن بارغم و اندوه به او دست می دهد و نسبت به هم نوعان خود حالت صمیمی پیدا می کند، حتی از بار عقده ها و مشکلات درونی خودش نیز کاسته می شود و سختی های زندگی که واقعیتی انکار ناپذیرند، برای او بهتر تحمل کردنی می شود.

هم بستگی دینی و اجتماعی

از آثار مثبت مراسم عزاداری برای شهیدان کربلا- این است که افراد معتقد و مؤمن، بر محور امامت، شهادت و دین، دور هم جمع می شوند، دسته ها و گروه هایی را تشکیل می دهند و به این وسیله هم بستگی دینی بین مردم تقویت می شود. تشکیل هیئت های مختلف و دسته ها در ایام عزاداری موجب موّدت و نزدیکی بین افراد جامعه می گردد، شور و شوق مذهبی بسیاری به خصوص در میان جوانان، نوجوانان و کودکان به وجود می آورد. این هیئت ها و دسته ها، نقشی همانند احزاب در جامعه های مدنی ایفا می کند و جانشین شایسته ای برای احزاب و بلکه بهتر و بالاتر از آنهاست، زیرا اتحاد در احزاب عمدتاً بر اساس منافع سیاسی و مادی پدید می آید، ولی در هیئت ها و دسته های عزاداری بر محور دین و معارف دینی شکل می گیرد.

منافع مادی

از آثار مثبت مراسم عزاداری، فواید مادی آن است، چنان که در این گونه مراسم ها، معمولاً افراد نیکوکار به اطعام عزاداران می پردازند که قهراً چیزی هم نصیب نیازمندان واقعی می شود؛ مشکلات نیازمندان مطرح و در رفع آن اقدام می گردد و پول هایی برای ساختن یا تعمیر مسجد و خرید وسایل لازم مراکز دینی و یا برای رفع نیازمندی های مستمندان جمع آوری می شود. در حقیقت این گونه مراسم ها نمودی از مشارکت اجتماعی مردم برای رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی برای اطلاع آنان از اوضاع و شناخت بهتر همدیگر و تألیف و تقریب دل ها نسبت به یکدیگر است.

احیای ارزش ها و پیام های عاشورا

از آثار مهم عزاداری احیا و ترویج ارزش ها و پیام هایی است که در نهضت کربلا نهفته است. عزاداران سعی می کنند، به

اندازه همت خود، آن ارزش ها را دارا شوند و از پیام ها درس بگیرند و جامعه را نیز به سمت آن ارزش ها سوق دهند. تبیین و تحلیل همه ارزش ها و پیام ها، بحثی مستقل است که نوشتاری جداگانه را می طلبد، ولی برای نمونه، به بعضی از آن ها تحت عنوان ارزش ها و پیام های عاشورا اشاره می شود.

ارزش ها و پیام های عاشورا

عزت نفس

یکی از ارزش های قیام عاشورا، عزت نفس و ذلت ناپذیری است؛ وقتی که امام بین دو پیشنهاد بیعت با دستگاه حاکم و یا جنگ و کشته با عزت قرار می گیرد، جنگ را برمی گزیند و زیر بار ذلت که همان بیعت با دستگاه حاکم است، نمی رود. امام با صدای بلند در روز عاشورا اعلام می کند: «أَلَا وَ إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مَنَا الذَّلَّةُ؛ آگاه باشید که زنازاده پسر زنازاده (ابن زیاد) مرا بین دو چیز مخیر کرده، یا با شمشیر کشیده آماده جنگ شوم و یا لباس ذلت بپوشم و با یزید بیعت کنم، ولی ذلت از ما بسیار به دور است.»

غیرت دینی

از ارزش ها و پیام های عاشورا غیرت دینی است. اگر کسی غیرت ملی داشته باشد، در برابر توهین به ملت خود آرام نمی گیرد و از آن دفاع می کند، و اگر غیرت نژادی داشته باشد اهانت به نژاد خود را تاب نمی آورد و اگر غیرت ناموسی داشته باشد، نمی گذارد بیگانه نظر بدی به حریمش بکند، و همین طور اگر کسی غیرت دینی داشته باشد، به هیچ وجه نمی تواند شاهد هتک حرمت دین و زیر پا گذاشتن مقررات آن و به خطر افتادن هستی آن باشد. او حاضر است که از جان خود برای حفظ دین مایه بگذارد. این غیرت دینی امام حسین (ع) بود که اجازه نمی داده تا شاهد به خطر افتادن دین اسلام باشد و این چنین او را ناآرام کرده بود و هیچ توجیهی را که صاحب نظران عصر بر او عرضه می کردند، برای خود قانع کننده نمی دانست.

موج شکنی

از ارزش ها و پیام های عاشورا، موج شکنی و حرکت بر خلاف موج دنیا گرایی در جامعه است؛ به این معنا که جامعه آن روز، دست خوش موج دنیا گرایی و دور شدن از ارزش های اسلامی بر پی خاندان بنی امیه به راه افتاده بود. بزرگان و شخصیت های بسیاری بودند که یا از روی ترس و یا به طمع دنیا و یا مصلحت گرایی و یا از روی جهالت به توجیه وضع موجود می پرداختند و همانند کاهی روی موج آب، هماهنگ با جریانش حرکت می کردند، ولی امام (ع) و یارانش خود را تسلیم جریان دنیا گرایی نکردند و در برابر آن ایستادند و از این دفاع کردند. این درسی برای همه آزاد مردان است تا خود را اسیر امواج انحرافی جامعه نکنند و در

برابر آن بایستند و از ارزش های معنوی دفاع کنند.

ترجیح مکتب بر خود

آن جا که هستی مکتب به خطر می افتد، باید جان را سپر بلای آن کرد، و از دین حمایت کرد، این درس را قیام عاشورا به مسلمانان می دهد. هنگامی که تعارض بین حفظ دین و جان پیش آید، باید دین را ترجیح داد و جان را فدا کرد. بر خلاف آنچه بعضی ها می گویند که بنابر هیچ اصلی شایسته نیست، انسان جان خود را به خطر اندازد، زیرا انسان بر هر اصلی مقدم است، قیام امام حسین (ع) این پیام را دارد که اصل دین همه ارزش های انسانی و الهی را در بر می گیرد و بر انسان مقدم است.

آزادمردی

از پیام های نهضت عاشورا که جنبه فرامیلتی هم دارد، آزادمردی است. وقتی که لشکریان عمر بن سعد، بین امام (ع) و خیمه گاهش که محل استقرار زنان و کودکان بود، حایل شدند اهل حرم را مورد تهدید قرار دارند، امام (ع) با همان حال دشواری که داشت، خطاب به لشکریان فرمود «وَيْلُكُمْ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ مُّوَكَّنْتُمْ لِاتِّحَافُونَ - الْمَعَادَ فُكُونُوا اِحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ»؛ و ای بر شما ای پیروان آل ابوسفیان، اگر دین ندارید و از روز قیامت نمی ترسید دست کم در دنیای خود آزاد مرد باشید.» در همان وضع در برابر دشمن بی اینکه بیمی از دشمن به خود راه بدهد، به نماز می ایستد. در این سخت امام (ع) می خواهد بفرماید که جنگ هم برای خود قانونی دارد. بی گناهان و آنانی که در جنگ شرکت ندارند، به خصوص زنان و کودکان، نباید آزار و اذیت بشوند. حمله به آنان خلاف جوان مردی و انسانیت است. حتی اگر کسی دین هم نداشته و آخرت را باور نمی کنید، این نکته را دریابید

و به این اصل انسانی و آزاد مردی پای بند باشید.

اهمیت دادن به نماز

از ارزش ها و پیام های عاشورا، اهمیت دادن به نماز، آن هم در اول وقت است. هنگامی که یکی یاران امام (ع) به نام ابو ثمامه صیداوی روز عاشورا در بجزوچه جنگ امام (ع) را به یاد نماز می اندازد، امام (ع) برای او دعا می کند و می فرماید: «خدا تو را رحمت کند» در همان وضع در برابر دشمن بی این که بیمی از دشمن به خود راه بدهد، به نماز می ایستد.

شجاعت

شجاعت در نبرد با دشمن و در میدان جنگ، از پیام های عاشورا است. علاوه بر اینکه خود امام (ع) فردی شجاع بود و با همه زخم هایی که بر او وارد شده بود، چون شیر غران به صفوف دشمن حمله می کرد و افراد دشمن چون ملخ از جلوی او فرار می کردند، یاران او نیز افرادی شجاع بودند؛ درباره عابس نقل می کنند که وقتی به میدان نبرد آمد و مبارزه می طلبید، کسی جرئت مبارزه با او را نکرده و او که دشمنان را این قدر زبون و ترسو یافته بود، از روی شجاعت زره و کلاه خود، را از تن در آورد و بی لباس جنگی، به صف دشمن حمله کرد.

وفاداری به امام

از ارزش ها و پیام های عاشورا، وفاداری به امام و رهبر و حمایت از او تا آخرین نفس و آخرین قطره خون است: شب عاشورا امام حسین (ع) طی خطبه ای از همراهان خواست او را تنها بگذارند، چون دشمن فقط با او کار دارد، ولی هیچ یک از همراهان آن شب امام را ترک نکردند، بلکه هر کدام در برابر امام، اظهار وفاداری و آمادگی برای کشته شدن در رکاب آن حضرت را کردند؛ یکی از یاران آن حضرت به نام زهیر بن قین اظهار داشت: به خدا قسم پسر پیغمبر، دوست داشتم هزار بار کشته و باز زنده شوم تا خداوند تو و برادران و فرزندان و اهل بیت تو را زنده بدارد.

نظم و انضباط

از پیام های عاشورا، رعایت نظم و انضباط است حتی در آن جایی که امیدی به مؤثر بودن آن نیست. روز عاشورا امام حسین (ع) یاران اندک خود را مرتب و منظم کرد و به آنان آرایش جنگی داد. زهیر بن قین را در میمنه سپاه قرار داد و حبیب بن مظاهر را در میسره سپاه گماشت و پرچم جنگ را به دست برادرش عباس (ع) داد و خود در قلب لشکر قرار گرفت. خندق پشت خیمه ها حفر کرد و آتش در آن بر افروخت، تا دشمن از آن سمت به خیمه حمله نکند.

رعایت اصول انسانی حتی نسبت به دشمن

از ارزش های عاشورا، رعایت اصول انسانی درباره دشمن است. هنگامی که امام حسین (ع) به سمت کوفه در حرکت بود در نزدیکی های کوفه در منزل اشرف با لشکر هزار نفری دشمن، به سرکردگی حرّ مواجه شد. برای رفع تشنگی آنان، امام حسین (ع) به همراهانش دستور داد تا آبی که به همراه دارند، به سپاهیان حرّ بدهند تا تشنگی شان برطرف شود.

توبه پذیری و گذشت

از پیام های عاشورا توبه پذیری و قبول عذر از توبه کننده است. وقتی که دشمن به اشتباه خود پی برد و در صدد جبران خطاهای خود برآمد، امام حسین (ع) راه بازگشت را به سوی او باز گذاشت و توبه اش را پذیرفت. روز عاشورا حُرّ به اشتباه خود پی برد، لذا از لشکریان عمر سعد جدا شد و به امام حسین (ع) پیوست. در تاریخ آمده است، وقتی که حُرّ نزد امام (ع) رسید: «از اسب پیاده شد. سرش را پایین انداخت و پای امام حسین (ع) را بوسیده گریه سختی کرد. امام حسین (ع) فرمود سرت را بالا- بیاور ای شیخ! حُرّ سرش را بالا- آورد، عرض کرد: ای مولای من، من بودم که تو را از بازگشت منع کردم. ای مولای من، من نمی دانستم که این قوم با تو چنین خواهند کرد و حال نزد تو آمده و از آنچه کرده ام، توبه می کنم و جانم را فدایت می کنم. آیا توبه ام نزد پروردگار قبول است؟ امام حسین (ع) فرمود: اگر توبه کنی، خداوند توبه ات را می پذیرد و تو را می بخشد. او ارحم الراحمین است.»

عشق به دعا و مناجات

از پیام های عاشورا عشق و علاقه وافر به مناجات و راز و نیاز با خداوند است. عصر روز نهم محرم بر اساس دستوری که از ابن زیاد به عمر سعد رسید، وی مأمور شد که در همان عصر کار را یک سره کند، لذا سپاه عمر سعد، به فرمان وی به سوی قرارگاه امام حسین (ع) به حرکت درآمدند. امام حسین (ع) از برادرش عباس (ع) خواست تا به سوی سپاه دشمن برود و از آنان بپرسد، برای چه به حرکت درآمدند؟ چه

مسئله ای پیش آمده است؟ عباس (ع) نزد سپاه دشمن رفت و از آنان پرسید، چه مسئله ای پیش آمده است. آنان گفتند که فرمان از ابن زیاد رسیده که الان امام حسین (ع) یا باید بعیت کند و یا بجنگد. عباس (ع) پیام را به امام (ع) رساند. امام حسین (ع) فرمود، از آنان بخواه یک امشب را به ما مهلت بدهند تا در این شب نماز بخوانیم و دعا کنیم و به درگاه خداوند استغفار نماییم. او می داند که من نماز خواندن و تلاوت قرآن و کثرت دعا و استغفار را دوست دارم. ارزش ها و پیام های دیگری در نهضت امام حسین (ع) نهفته است، مانند وفا، کرامت، شرافت، ایثار، محبت، استقامت، عشق به شهادت، و... که به شرح آن ها پرداخته و به آنچه به برای نمونه ذکر شد، بسنده می کنیم. عزاداری برای امام حسین (ع) یعنی احیا و ترویج این ارزش های متعالی در جامعه. مجالس عزاداری به انسان ها درس شهادت، شرافت، کرامت، محبت، انسانیت، عزت، ایثار، وفا، آزادگی و ستیز با ظلم و ظالم می دهد و همین مسائل است که بر پیروان اهل بیت (ع) الزام می کند که هر ساله بر رونق و شکوه این مراسم که حقیقتاً دانشگاه انسان سازی است، بیفزایند تا جان و روحشان را از ارزش های عاشورا سیراب نمایند.

پرسش ها و پاسخ ها

آیا عزاداری ساخته سیاست دلمیان و صفویان است؟

۱ بعضی ها می گویند: «بنای تعزیه را روزگاری دلمیان و صفویان به اقتضای پولیتیکای خودشان رواج دادند. آن سبب حال رزمیان رفته، اما به هر کجا که می روی، تعزیه بر پاست، مگر مصیبت و درد خود آدم کم است که با نقل گزارش هزار ساله، اوقات خود را دائماً تلخ بکند و به جهت عمل بی فایده، از کسب و

کار باز بماند. از این تعزیه داری اصلاً نه برای تو فایده ای است و نه به جهت امام (ع).» پاسخ ۱ اگر منظور نویسنده از تعزیه، شبیه خوانی باشد که این خود نوعی از هنر جذاب است، و اگر آمیخته با دروغ و خرافات نباشد، کاری مفید خواهد بود، زیرا که صحنه کربلا- و ماجرای آن را تماشاگران مجسم می کند و تأثیر فراوانی بر آنان می گذارد. چنان که گویا خود را در صحنه عاشورا حاضر می بیند. چنان که گویا خود را در صحنه عاشورا حاضر می بیند و روشن است که بسیار از آثار مثبت عزاداری که بر شمردیم، بر این گونه از مراسم نیز بار خواهد بود، اما اگر منظور از تعزیه، عزاداری به معنای ذکر مصیبت و گریه باشد، تاریخش به شهادت امام حسین (ع) بر می گردد و از فردای شهادت امام حسین (ع) پایه گذاری شده که به چند نمونه از شواهد تاریخی و تأکید روایات بر آن اشاره شده است. البته ممکن است در زمان دیلمیان و یا صفویان این مسئله رواج بیشتری یافته و در نتیجه از نظم و ترتیب و شکوه و جلال خاصی برخوردار شده است. این بدان جهت بوده که تا قبل از آن زمان بر مبنای تشیع حکومتی تأسیس نشده، ولی با به روی کار آمدن حکومت شیعه، انجام این مراسم که قبل از آن به طور مخفی و غیررسمی برگزار می شد به صورت علنی رسمیت یافت و چون حکومت از آن پشتیبانی می کرد دارای نظم و آداب خاصی گردید. این هرگز به این معنا نیست که اصل این مراسم ساخته و پرداخته دست سیاست و حکومت هاست. ۲ با توجه

به آنچه در مورد آثار عزاداری و حکمت های آن گفته شده و آثار مثبت فراوانی اعم از مادی، معنوی، اجتماعی، فردی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی برای آن شمرده اند، روشن می شود که این سخن چقدر بی اساس است، زیرا کسی نمی گوید که این مراسم، فایده ای برای شخص امام حسین (ع) دارد، بلکه تمام آثار مفید آن، در مجموع به خود جامعه بر می گردد که اگر به درستی از آن بهره برداری شود، بی شک مدینه فاضله ای خواهیم داشت. ۳ برقراری مراسم عزاداری با توجه به آثار بیان شده، اوقات تلخ کردن نیست، بلکه درس گرفتن از مکتب عاشورا و ترویج ارزش های آن در جامعه و تجدید روحیه دینی و معنوی و حرکت سیاسی و هم بستگی اجتماعی و آگاهی به معارف دین و... خواهد بود. گرچه به یک معنا اوقات تلخ کردن هم باشد، چه اینکه اوقات ستم گران، دیکتاتوران، استعمارگران، وابستگان به استعمار و روشنفکر نمایان از مشاهده این مراسم انسان ساز تلخ می شود.

آیا عزاداری ارضای حس خون خواری نیست؟

بعضی ها می گویند: «در کشور مسیحی، در هر کوی و برزن، در هر گوشه و کنار، پیکره ای از مسیح (ع) را بر صلیب می بینید که از بدن او خون روان است. چه تعمدی است که این حادثه را که دو هزار سال پیش روی داده، هر روز و هر لحظه و در هر گذر از نو زنده سازند و در انظار همگان بگذارند. آیا این ارضای حس «خون آشامی انسان ها نیست؟ بسیاری از مراسم مذهبی دیگران نیز از این قبیل است، مانند کاهنان بودایی که خود را در آتش می سوزانند و تیغ زنی و سینه زنی و نظایر آن.» پاسخ ۱ دفاع از عمل مسیحیان و مراسم بودائیان را

اگر دفاعی داشته باشند به خودشان واگذار می‌کنیم و اما مسئله سینه زنی ارتباطی به ارضای حس «خون آشامی ندارد، بلکه از عواطف و احساسات انسانی سرچشمه می‌گیرد. توضیح این که وقتی مصیبتی سنگین بر انسان وارد می‌شود، به طور طبیعی گریه می‌کند، ناله و شیون سر می‌دهد و به سر و صورت خود می‌زند. این یک واکنش طبیعی و پیش‌بینی شده برای انسان در برابر حوادث ناگوار است که البته برای تخلیه فشارهای روحی و کاسته شدن با رگم و اندوه مفید است. جامعه ما که برای امام حسین (ع) عزاداری می‌کند و در عزای آن حضرت سینه می‌زند، می‌خواهد خود را شبیه به مصیبت دیدگان اصلی درآورد و در غم آنان خود را شریک نماید. روشن است که اظهار هم‌دردی از سوی دیگران، یکی از نیازهای طبیعی و روحی انسان‌های مصیبت‌دیده است. انسان مصیبت‌دیده وقتی می‌بیند که دیگران در غم او شریکند و همانند او اشک می‌ریزند و به سر و سینه می‌زنند و یا چهره‌ای حزن‌آلود گرفته و لباس سیاه برای هم‌دردی به تن کرده‌اند، دلش تسلی می‌یابد و از بار غم او کاسته می‌شود، زیرا دیگران هم با اظهار هم‌دردی، سهمی از بار غم او را به دوش می‌کشند. سرچشمه سینه زنی چنین است نه آن که ارضای حس «خون آشامی باشد. ۲ بر فرض که چنین حسّی در انسان وجود داشته باشد و سینه زنی هم هیچ‌مبنایی جز ارضای این حس نداشته باشد، خواهیم گفت که بعضی از کارهاست که موجب تخلیه این حس می‌شود. هم‌چنان که روان‌شناسان و علمای علوم تربیتی معتقدند که از جمله

فواید ورزش، تخلیه حس «جنگ طلبی و ستیزه جویی است. آنان می گویند که بشر ذاتاً ستیزه جو و جنگ طلب است و از آن جا که ارضای این حس نمی تواند، بی مانع باشد (زیرا موجب اختلال نظام جامعه و جنگ ویرانی می شود) لازم است که از راه های دیگر که ضرری به جامعه نمی رساند، این حس ارضا شود بهترین راه و سالم ترین آن، رقابت های ورزشی است که سبب تخلیه حس «ستیزه جویی و تلطیف روانی جامعه می شود. اگر این سخن، صحیح باشد چه اشکالی دارد که یکی از راه های تلطیف روح انسان مراسم عزاداری و سینه زنی باشد. آنچه در این جا می توان اضافه کرد، این است که اگر سینه زنی را گونه ای خود زنی بدانیم، باید پرسید، مگر همه خود زنی ها بد است؟ مثلاً در مراسم جشن و شادی، افراد کف می زنند و معلوم است که کف زدن نوعی خود زنی است. اگر ایراد کننده بگوید که خندیدن و کف زدن، تخلیه هیجان های پدید آمده از شادی است می گوییم که سینه زنی و گریه کردن هم تخلیه هیجان های ناشی از احساس غم و اندوه است. هر توجیه و تفسیری که در مورد شادی ها گفته شود، در مورد غم و اندوه ها هم به گونه ای می توان گفت.

آیا گریه کردن و اشک ریختن نشانه ضعف نیست؟

جواب: این طور نیست که گریه کردن و اشک ریختن به طور کلی، نشان ضعف و زبونی باشد؛ چه اینکه گریه را به لحاظ سرچشمه هایش انواع و اقسامی است. ۱. گریه مصیبت آن گاه که مصیبتی بر انسان وارد شود و عزیزی را از دست بدهد، در این صورت، قلبش می شکند، حالش منقلب و اشک از چشمانش جاری می شود. این یک واکنش طبیعی است که انسان

در مصیبت ها از خود بروز می دهد. ۲. گریه ندامت گاهی گریه انسان برای ندامت و پشیمانی است، زیرا شاید انسان مرتکب اعمالی شود که با کمال و جای گاه انسانی او در تضاد باشد. بعد از ارتکاب عمل بر اثر فشار وجدان دینی و انسانی از کار خود پشیمان می شود و به درگاه خداوند و یا کسی که در حق او ظلم کرده می آید و ابراز ندامت می کند و گاه اشک می ریزد و تقاضای عفو و بخشش می کند. ۳. گریه شوق گاهی هم گریه و اشک برای این است که نعمتی پیش بینی نشده، به انسان رسیده و یا با عزیزی که مدت بسیاری او را ندیده، دیدار کرده و یا به موفقیتی مهم نایل شده، در چنین مواردی و مانند آن از شدت شوق و خوش حالی، اشک از چشمانش جاری می شود. ۴. گریه نوع دوستانه مثل آن که شخصی با خبر می شود که انسان هایی دست خوش بلاهای طبیعی؛ چون زلزله، سیل، آتش فشان، قحطی و... شده اند. وی با مشاهده صحنه های دل خراش و دیدن چهره مصیبت زده ها، به خصوص کودکان، از نزدیک یا از رسانه های گروهی، ناخود آگاه اشک از چشمانش جاری می شود و عواطف او به جوش می آید. ۵. گریه کمک خواهانه گاهی انسان، به جهت نداشتن ابراز لازم، برای اعلام خواسته خود و دست یابی به آن می گوید، تا وضعیت خود را اعلام کند و نظر حمایت گرانه دیگران را به خود جلب نماید؛ مانند طفل که برای اعلام وضعیت و نیاز به پدر و مادر خود گریه می کند، زیرا او وسیله ای غیر از گریه برای ابراز وضعیت خود و رسیدن به خواسته اش ندارد. بعضی از بزرگسالان نیز، برای جلب توجه و

محبت دیگران به خود، گریه می کنند. گاهی هم به جهت کاربرد نداشتن ابراز، می گویند؛ مثلاً، در رابطه انسان با خدا هیچ وسیله ای جز اشک و آه کاربرد ندارد، همان طور که امیر مؤمنان (ع) در دعای کمیل به خدا عرض می کند: «إِرْحَمِ مَنْ رَأَسَ مَالِهِ الرَّجَا وَ سِتْلَاخُهُ الْبُكَاءُ؛ خدایا! به کسی که سرمایه اش امید و سلاحش گریه است، رحم نما.» با توجه به انواع گریه و علت های آن روشن می شود که اشک ریختن، همیشه نشان از ضعف و ناتوانی نیست، بلکه غالباً واکنش طبیعی انسان در اوضاع خاص است و این اوضاع گاهی شادی بخشنند و زمانی حزن آور. گریه ای که عزاداران برای امام حسین (ع) می کنند، هم از حس نوع دوستانه سرچشمه می گیرد که جنبه حمایت عاطفی از مظلوم دارد و هم از مصیبتی است که بر شخص گریه کننده وارد شده است، زیرا انسان عزادار مصیبت هایی را که بر امام حسین (ع) وارد شده، مصیبت خود می داند و همین انسان عزادار که اشک می ریزد، چه بسا حاضر است که جان خود را برای امام حسین (ع) فدا کند و در برابر دشمنان آرمان آن حضرت بایستد. بنابراین، گریه او نشان از ضعف و زبونی نیست. گریه ای که توابین در سال ۶۵ هجری برای امام حسین (ع) کردند، هم از حس نوع دوستانه برخوردار بود و هم از حس ندامت، و در عین حال، تا آخرین قطره خون در برابر دستگاه بنی امیه مقاومت کردند.

آیا هیچ آفتی عزاداری را تهدید می کند؟

جواب: مع الاسف، جواب این پرسش مثبت است و این سنت مهم و سازنده را، آفاتی تهدید می کند که به اهم آنها اشاره می شود: ۱- موضوعیت یافتن از آفت هایی که سنت عزاداری را تهدید می کند، این است

که از محتوا خالی شود و جنبه موضوعیت پیدا بکند، به این معنا که برگزارکنندگان، برای نشان دادن چهره مذهبی از خود و یا برای رقابت با مسجد یا هیئت دیگر، اقدام به برقراری مراسم کنند. در این صورت، جنبه آدابی مراسم، بر جنبه واقعی و لازم آن پیشی می گیرد و چندان اثر تربیتی، سیاسی و فرهنگی و... بر آن بار نخواهد شد، جز این که باعث سرگرمی و گذراندن عمر شود. بنابراین، برای جلوگیری از این آفت، توجه بیشتر به جنبه ابزاری و کاربردی مراسم که روح آن را تشکیل می دهد، لازم می نماید تا جنبه سازنده آن حفظ شود و آثار مثبتی بر آن بار گردد و به عنوان یک عادت صرف اجتماعی با آن برخورد نشود، زیرا عملی که به صورت عادت در آید، خالی شدن از محتوا آن را تهدید می کند. ۲. برداشت منفی از عزاداری از آفت هایی که مراسم عزاداری را تهدید می کند، برداشت منفی از مراسم عزاداری است؛ یعنی از مظلومیت و گرفتاری هایی که برای امام حسین (ع) و اهل بیتش آمده، چنین نتیجه بگیریم که پس ما که رهرو او هستیم، باید کاری بکنیم که مظلوم واقع شویم. به دنبال گرفتاری بگردیم و از آن خوشمان بیاید و یا اگر ستم گری آن را بر ما تحمیل کرد، با چهره باز آن استقبال کنیم بی آن که با ستم گر مبارزه نماییم. در صورتی که گرفتاری ها و مصیبت هایی که برای امام حسین (ع) پیش آمده، تحمیلی از سوی دشمن بر آن حضرت بوده است، آن هم به جهت قیام امام (ع) در برابر دستگاه ستم گر، نه از روی ضعف و زبویی. از علت های عزاداری، این

است که از مبارزه های امام (ع) درس بگیریم و با ستم و ستم گر مبارزه نماییم، ولی اگر بخواهیم از این مراسم ها نتیجه تیره و تاری از زندگی بگیریم و تن به تاریکی ها و تیرگی ها بدهیم، خود انحرافی از این واقعه مهم است. باید بدانیم که مظلومیت امام حسین (ع) شجاعانه بوده است، نه زبونانه. به عبارت دیگر، معنای راستین مراسم عزاداری، این است که اگر مانند امام حسین (ع) در برابر ظلم و ظالم ایستادی که باید بایستی و تن به ذلت ندادی که نباید بدهی و در این راه متحمل مشکلاتی شدی، چون امام حسین (ع) صبور و بردباری باش و برای گریز از مشکلات، هدفت را از دست ندهی، نه این که سختی ها را تحمل کنی و هر چه ستمگر گفت، بی آنکه مبارزه ای کنی، پذیرا شوی و عزاداری برای امام حسین (ع) را توجیهی برای زبونی های خود قرار بدهی. این آفت در واقع مراسم عزاداری را که عاملی بیدارگر و ضد ستم است، به عامل تخدیر کننده تبدیل می کند. ۳ افراط و تفریط نهضت امام حسین (ع) دارای ابعاد مختلف عاطفی، سیاسی، اجتماعی و حماسی و... است. برای استفاده شایسته از این نهضت، باید به همه ابعاد آن توجه یکسان شود تا جامعه پیرو امام حسین (ع)، از تعادل و توازن برخوردار باشد. از آفت هایی که مراسم عزاداری را تهدید می کند، این است که در بعدی از نهضت زیاده روی و در بعد دیگر آن کوتاهی گردد؛ مثلاً به بعد عاطفی آن بیش از حد توجه شود که در این صورت ما ملتی عاطفی، هیجانی و اهل اشک و

آه خواهیم بود، امام از داشتن جامعه ای با بینش سیاسی و انقلابی و آگاه به زمان و تحلیل کننده اوضاع محروم خواهیم شد، و یا فقط به بعد انقلابی و سیاسی آن بیش از اندازه توجه شود و به بعد عاطفی آن کوتاهی گردد که در این صورت ما ملتی داری بینش سیاسی و تحلیل کننده اوضاع و اهل مبارزه، اما بی روح لطیف، عاطفی و ایثارگر خواهیم بود. مع الاسف، در طول تاریخ مراسم عزاداری، بین ابعاد گوناگونش در نوسان بوده است در اوضاعی بیش از اندازه به بعد عاطفی آن و در اوضاعی هم بیش از اندازه به بعد انقلابی و سیاسی آن پرداخته شده و درباره بعد عاطفی آن کم توجهی شده است. در صورتی که باید بین همه ابعاد نهضت، توازن و تعادل برقرار کرد. هم اشک ریخت و گریه کرد و مرثیه خواند و هم از سیاست، مبارزه و حماسه گفت. ۴ خرافات از آفت هایی که مراسم عزاداری را تهدید می کند و اگر در برابر آن هوشیار نباشند، ممکن است کل هدف را از این مراسم مخدوش کند، ورود خرافات در این مراسم است و این خرافات، گاه با نقل خبرهایی که هیچ سند و مدرک درستی ندارد، انجام می گیرد. و گاه با زبان حال هایی که نقل می شود، خود را نشان می دهند. بخشی از مصیبت ها و مرثیه ها، زبان حال سراینده اشعار و یا ذاکر مصیبت، و برداشت و تفسیر آنان از وقایع تاریخی است که نقل می شود. آنچه انکار نکردنی نیست، تأثیر بینش و خصوصیات روحی و مشکلات شخصی و اجتماعی سراینده و یا ذاکر مصیبت، در چگونگی تفسیر ترسیم صحنه های تاریخ است، در صورتی که

آن، بیش از زبان حال یک تصویر و تفسیر فردی نیست و به مرور زمان به صورت واقعیات پیش آمده و یک حادثه تاریخی در نزد توده مردم تلقی می شود. به عنوان مثال، وقتی علی اکبر (ع) به میدان می رود، سراینده یا ذاکر چنین تصویر می کند که اگر مادرش در آن لحظه حاضر بود چه می گفت و چگونه با جوانش برخورد می کرد و چه حرف هایی به او می زد. مسلماً درباره این که اگر مادرش حاضر می بود، چه می گفت، به فرهنگ و آداب و رسوم محیط اجتماعی و خانوادگی سراینده، مربوط است؛ یعنی، بنابر فرهنگ فردی و اجتماعی سراینده و ذاکر مراثی، هنگامی که مادری جوانش به میدان جنگ می فرستد و یا می بیند که جوانش به میدان جنگ و یا به سفر دور و دراز می رود، این که با او چه حرف هایی را در میان می گذارد، او همین برخورد را برای زبان حال به تصویر می کشد و به مادر علی اکبر (ع) نسبت می دهد. در صورتی که ممکن است، این تصویر به کلی نادرست باشد؛ چه این که هم فرهنگ و روحیات هر قومی با فرهنگ و روحیات قوم دیگر متفاوت است و هم شخصیت و خصوصیات روحی هر فرد با فرد دیگر. این اختلاف، موجب اختلاف در برخورد با حوادث ناگوار و مشکلات می گردد. بعضی از این خرافات، هم عملی است که به رفتار و اعمال مربوط می شود و پایه صحیحی برای آن منصور نیست؛ مثل حمل عَلم عریض و طویل که به شکل صلیب مسیحی هاست. در روی بازوهای این علم کذایی، اشکالی از خورشید، کشکول، تبرزین، کبوتر و اژدها و... نصب شده و بر سر علم هم چند زنگوله آویزان که

مفهوم درستی از این اشکال و اشیا فهمیده نمی شود. در صورتی که علم به معنای علامت و نشانه (پرچم) و حمل آن در میدان جنگ، مرسوم بوده است. در آن زمان به هنگام جنگ، پارچه ای را به رنگ دل خواه یا طبق قرارداد، بر چوب بلندی می بستند و آن را در دست پرچمدار که از شجاع ترین نیروهای رزمی بود، می دادند و جنگ جویان با دیدن آن موقعیت دوست و دشمن را تشخیص می دادند. اگر بنا بود که علم های آن زمان، مثل علم هایی باشد که امروزه در بعضی از مراسم عزاداری حمل می شود، چندین نفر از نیروی رزمنده را از انجام وظیفه باز می دارد. امروزه ما شیعیان، در برابر چشم میلیون ها بیننده در سراسر جهان قرار داریم، چه بسا این مراسم به وسیله ماهواره ها به سراسر جهان نشان داده می شود. انجام این گونه برنامه ها برای ناظران جهانی پرسش برانگیز است. ما باید جواب قانع کننده و معقولی برای کارهای خود داشته باشیم، تا باعث جذب آنان به فرهنگ خود بشویم، نه آن که کارهایی انجام بگیرد که موجب توهین به ملت و مکتب ما در انظار جهانی بشود. استدلال های ما باید از محدوده درون مکتبی، فراتر برود و برای هر ناظر منصف و بی طرف جهانی قانع کننده جذاب باشد.

نتیجه گیری

عزاداری برای شهیدان کربلا- ریشه در عواطف و احساسات انسانی دارد و دارای پایه های تاریخی و روایی است. عزاداری دارای فلسفه ها و حکمت هایی است که از جمله آنها احیا ارزش ها و پیام های عاشورا می باشد. با توجه به ریشه های تاریخی و روایی عزاداری روشن می شود که حکومت های شیعی در تاریخ، نقشی در پیدایش اصل آن نداشتند اگر چه ممکن است در

شکل و فرم آن تأثیر داشته و یا ترویج آن کوشیده، همچنین از مطالب گذشته معلوم شد که همراه با اهمیتی که سنت عزاداری دارد آفاتی نیز آن را تهدید می کند. آفاتی چون موضوعیت یافتن و جنبه تشریفاتی پیدا کردن، افراط و تفریط در ابعاد نهضت، برداشت منفی از نهضت ورود خرافات در سنت عزاداری از جمله آفت هایی است که به آنها اشاره شد باید به گونه ای شایسته با سنت عزاداری برخورد کرد که از گزند آفات مصون بماند تا روشنایی بخش جامعه پیرو راه امام حسین (ع) باشد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

